

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه تاریخ امامت

استاد: بغدادی

گروه کارشناسی

دانشکده فنی حرفه ای تربیت بدنی امام علی (ع)

اردیبهشت 99

ایمیل استاد بغدادی: ebrahimbaghdadi1367@gmail.com

امیر المومنین در نهج البلاغه در مورد اهمیت و نوع نگرش به تاریخ اینگونه می فرمایند:

((انی و ان لم اکن عمرت عمر من کان قبلی ، فقد نظرت فی اعمالهم ، وفکرت فی اخبارهم و سرت فی آثارهم ، حتی عدت کاحدهم ، بل کانی بما انتهى الی من امورهم قد عمرت مع اولهم و آخرهم)) (نامه 31 نهج البلاغه)

(اگر چه به اندازه تمام گذشته تاریخ عمر نداشته ام ، ولی در اعمال گذشتگان نظاره و در حوادث آنها تفکر کردم و در آثار باستانی و تاریخی آنها سیر کردم ، تا اینکه به مانند یکی از آنها شدم . و در نهایت از امورشان آنگونه به من رسیده که انگار با اولین و آخرین های تاریخ هم زندگی کرده ام .)

خط سیر تاریخی در اسلام: ما در طول تاریخ اسلام شاهد سه خط سیر تاریخی هستیم ، که هر کدام با توجه به شرایط روزگار خود فراز و نشیب هایی داشته اند . این خطوط تاریخی عبارتند از:

1) امامت: عبارت است از دوران پیامبر(ص) و زندگی ائمه دوازده گانه (ع) که تا آخر الزمان هم ادامه می یابد .

2) تشیع: طرفداران اهل بیت(ع) را شامل می شود که دارای فرقه های متعدد و عقاید گوناگون شده و گاهی به امامان نزدیکتر و گاهی حاکمان زمان خود بوده و حتی در مقابل برخی از ائمه موضع گرفته اند .

3) حاکمان: که شامل تمامی حکومت های دوران مختلف تاریخ اسلام بوده . گاهی هم امامان این منصب را داشتند و گاهی حاکمانی ائمه را به شهادت رساندند . آنها معمولاً صاحبان قدرت و ثروت بودند .

منابعی که در پژوهشهای تاریخ امامت کاربرد دارند عبارتند از:

- 1- اخبار و حدیث: الارشاد شیخ ، مفید اصول کافی کلینی.
- 2- رجال و انساب: طبقات الکبری محمد بن سعد، انساب الاشراف بلاذری.
- 3- فتوح و جنگها: الفتوح ابن اثم کوفی ، فتوح البلدان بلاذری (297ه.ق) .
- 4- تاریخ عمومی: تاریخ یعقوبی ، اخبار الطوال دنیوری ، تاریخ الرسل و الامم و الملوك طبری
- 5- خراج و موال: الخراج ابویوسف.
- 6- جغرافیایی: معجم البلدان یاقوت حموی.
- 7- منابع اختصاصی: مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب) ، وقعه الصفین نصر بن مزاحم منقری، آثار سید جعفر مرتضی عاملی و رسول جعفریان.
- 8- کلامی: کفایة المومنین (قطب الدین راوندی) .

امام در لغت به معنای: پیشوا و رهبر که در قرآن نسبت به رهبری حضرت ابراهیم (ع) بدین گونه یاد شده : (قال ائى جاعلك للناس اماماً)

شئون و مراتب امامت: 1- مرجعیت دینی 2- رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه 3- ولایت (ولی به معنای انسان کامل) .

خلافت: به معنای جانشینی است و علما اهل سنت با تجارب تاریخی به این نظریات در انتخاب خلیفه رسیدند:

- 1- اهل حل و عقد (سقیفه بنی ساعده) 2-نظریه استخلاف (نصب و جانشینی خلیفه دوم)
- 3-نظرشورا (شورای 6 نفره برای خلیفه سوم) 4- استیلا : قهر و غلبه 5-وراثت (ولایتعهدی).

تفاوتهای اندیشه سیاسی امامت از خلافت:

الف . در انتخاب خلیفه تاخر نظریه سیاسی از عمل سیاسی وجود دارد، بر خلاف امامت که امامان معصوم از جانب خداوند نصب و به وسیله رسولش به مردم اعلام شدند.

ب . نوع نگاه شیعه و اهل سنت در صحابه نامیدن افراد متفاوت است:

سخن ابن حجر عقلانی (از علما اهل سنت) راجع به صحابی:

صحابی یعنی ملاقات کننده پیامبر(ص)، که به او ایمان آورده و با اسلام از دنیا رفته باشد، خواه :

- 1- مدتی طولانی یا کوتاه در نزدش بوده باشد.
- 2- ازپیامبر نقل روایت کرده یا نکرده باشد.
- 3- با او جنگ رفته یا نرفته ، حتی اگر هم نابینا باشد.

در سال دهم هجری **هر کسی** در مکه و طایف بودپیامبر را ملاقات کرده ، پس **صحابی** بود. تمامی صحابی عادل بوده و معارف و احکام دینی را می توان از آنان اخذ نمود.

از نظر شیعه صحابی کسی است که: ملازم و معاشر پیامبر بوده و با ایشان همراهی زیادی داشته. مثل

حواریون برای عیسی (ع) که در قرآن از آنها یاد شده است ؛ صرف صحابی بودن از دیدگاه شیعه دلالت بر عدالت ندارد.

پیامد تاخیر نظریه سیاسی از عمل سیاسی:

- 1- تعدد و تنوع نظریه ها.
- 2- تاثیر مقتضیات خاص مثل صاحبان قدرت و نخبگان برانتخاب خلیفه.
- 3- تاثیر شرایط و عوامل سیاسی.

-

احادیثی که مورد پذیرش همه مسلمانان بوده و بر جانشینی بعد از پیامبر(ص) و تحقق اندیشه امامت دلالت دارند عبارتند از:

- 1- حدیث یوم الانذار: زمینه ساز برای تحقق اندیشه امامت
- 2- حدیث منزلت: ((انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی))
- 3- حدیث غدیر: نصب امامت یا توصیه به محبت؟
دلایلی که بر نصب امامت دلالت دارند: الف) موقعیت زمانی و مکانی در غدیر. ب) خطبه پیامبر واکنش طبیعی به سوالات مردم ج) محتوای خطبه: الست اولی بکم من انفسکم (النبی اولی بکم من انفسکم).

امامت و ولایت در مکتب تشیع

امامت: 1- معنای عام 2- معنای خاص

- 1- معنای عام: پیامبران الهی و ائمه را در بر می گیرد. بقره 144 (قال انی جاعلک لناس اماما) خطاب به حضرت ابراهیم.

2- معنای خاص: جانشینان پیامبر (ص) را گویند.

دوران سه خلیفه اول و مواضع امام علی (ع):

موضع امام نسبت به فتوحات: عدم تایید و دست یازی به آن در زمان خلفا و دوره حکومت خود. همچنین موضع ایشان نسبت به مشکلات حادث در مسیر حکومت خلفا بر نقد سازنده و گاهی هم تایید بر کمک یاران ایشان نسبت به حکومت در جهت حفظ قوام جامعه اسلامی و دوری از هرگونه از هم گسیختگی و وحدت اسلامی بود. جامعه در دوره حکومت حضرت: 1- دور افتاده از سنت نبوی و ارزشهای اسلامی

2- دچار تبعیض ، نابسامانیهای اقتصادی ، سیاسی و دینی شد ؛ 3- گسترده گی سرزمین های فتح شده و اسرار فرماندهان برگسترش ؛ 4- عدم اهتمام به انتشار معارف دینی در سرزمین های تازه فتح شده .

فصل سوم { حکومت امام علی }

تولد ایشان بنا بر قول مشهور در 13 رجب سال 30 عام الفیل (ده سال پیش از بعثت) بود.

شهادت: 21 رمضان سال 40 هجری در کوفه

پدر ایشان ابوطالب و مادرشان فاطمه بنت اسد بن هاشم بن مناف می باشد.

بیعت عمومی در مسجد مدینه رخ داد و بیشتر انصار و قاریان و نمایندگان مردم عراق و مصر حضور داشتند.

اولین بیعت کننده: طلحه

نکاتی چند در مورد بیعت:

1- همگرایی خاصی در میان بیعت کنندگان بر سر حضرت علی(ع) نبود. برخی بدلیل (امام معصوم بودنش) و برخی هم به دلیل اینکه ایشان تنها قدرت حاضر جهت اداره حکومت بودند و به مانند پذیرش خلفای دیگر ایشان را هم پذیرفتند. و برخی هم امثال خوارج که تنها به دلیل هدف مشترک در مخالفت و نابودی دشمن مشترکی مثل معاویه با ایشان بیعت کردند و گروه دیگر عزلت طلبان بودند که تفاوتی در انتخاب خلیفه قائل نبودند و راضی به وضع موجود بودند.

2- بیعت به اجبار در باره هیچکس از امام سر نزد. (برخلاف آنچه که طلحه و زبیر جهت ایجاد جنگ جمل مدعی شدند.)

4- صف بندی گروه ها و تحولات بعد بیعت در بین نخبگان. ناکثین: (پیمان شکنان) یعنی طلحه و زبیر. قاسطین: خارجین از مسیر حق مثل معاویه، و گروهی به عزلت طلبی روی آوردند و در مقابل درگیری ها سکوت کردند که ابوموسی اشعری و سعد بن ابی وقاص از این جمله اند.

مشکلات فراروی امام:

1- دور افتادگی از سنت نبوی و ارزش های اسلامی و آمیختگی با گناه.

2- وسعت و گسترده شدن سرزمین های تازه فتح شده و توقف حضرت در امر جنگ.

3- پیراهن خلیفه سوم که توسط مروان بن حکم به شام برده و عَلم شد.

4- رفاه گرایی شدید مردم که سبب تضعیف آرمانهای دینی شده بود.

شهر کوفه: در سال 17 بدست سعد بن ابی وقاص و به دستور خلیفه دوم ساخته شد و بیشتر چهره نظامی داشت. دلایل مرکزیت قرار گرفتن کوفه در دوران علی(ع): 1- نزدیکی به مناطق بحران زده در نزدیکی شام ، 2- موقعیت نظامی و امکانات نظامی ، 3- امکانات مالی و اقتصادی اش ، 4- چون جمعیت کم مدینه پاسخگوی سپاه شام در نبردها نبود . کوفه تا پایان نیمه اول قرن هفتم از مراکز مهم حکومتی بود .

جریان اموی در مقابل اسلام علوی

جریان ابوسفیان که در فتح مکه توسط پیامبر (ص) به (انتم الطلقاء ، آزاد شده ها) خطاب شدند و هیچگاه قلبا به خدا و پیامبر ایمان نداشتند ، و حزب طلقاء نامیده شدند ، همیشه بدنبال محوریت خود در قدرت و حکومت بودند .

از جمله فعالیت‌های حزب طلقا در زمان امامت حضرت عبارتند از :

- 1- نشانیدن عایشه بر مسند ام المومنین . 2- ماجرای قتل خلیفه سوم و بهانه خونخواهی اودر ایجاد جنگ جمل . 3- دخالت در قتل خلیفه سوم از جانب سران بنی امیه .
- نبرد جمل:

در سال 36 هجری اتفاق افتاد و نخستین جنگ داخلی میان مسلمانان بود .

- بهانه پیمان شکنان برای جنگ : 1- خلیفه سوم مظلوم کشته شد . 2- بیعت اجباری با امام در مدینه وعدم مشروعیت امام در این بیعت (تشکیل شورا و انتخاب خلیفه توسط آن رامطرح کردند)

حاکم بصره در این زمان عثمان بن حنیف بود که با وجود پیمان با او مبنی بر عدم تجاوز به بصره تا زمان حضور امام، شبانه به بصره حمله و وی را دستگیر و آزار دادند.

با همه تلاشهای امام برای وحدت با جملیان، ولی نتیجه ای حاصل نشد و نبرد در دهم جمادی الاولی رخ داد.

پس از نبرد هم امام دستور به عدم جمع آوری غنیمت و باز گرداندن عایشه به مدینه داد.

نبرد صفین :

1- ابتدا نامه نگاری ها با موضوع واگذاری حکومت شام توسط حضرت به معاویه از جانب معاویه انجام و حضرت نپذیرفتند.

(در اول صفر 37 ه.ق) در منطقه صفین دو سپاه روبروی هم قرار گرفتند. 2- عمار به شهادت رسید، حدیث پیامبر در مورد عمار که: ((تو بدست فرقه ای تجاوزگر کشته خواهی شد.)) باعث شد که شهادت عمار معیاری برای حقانیت یکی از دو سپاه باشد. 3- مسئله بستن شریعه فرات توسط سپاه معاویه.

مسئله حکمیت: ابتدا عبدالله بن عباس و سپس ابوموسی اشعری انتخاب شد. (ابوموسی، خلع امام و معاویه را اعلام ولی عمرعاص تنها خلع امام را اعلام کرد.) حضور زنان در سپاه امام: **سوده** دختر عماره همدانی، **جروه** دختر حرة بن غالب تمیمی.

جریان خوارج: بعد صفین با شعار لا حکم الا لله در منطقه حروراء از امام جدا شدند.

پرسش های اساسی خوارج : الف) رضایت امام به دخالت دیگران در کار دین ب) چرا امام راضی به حذف لقب امیرالمومنین در بیعت شد. (حذف رسول الله در صلح حدیبیه). ج) چرا غنایم تقسیم نشد.

از دیدگاه خوارج پذیرش حاکمیت برابر با کفر بود و از امام می خواستند که بر کفر خودش شهادت داده و توبه کند.

ادعای خوارج: 1- نفی حکومت از مردم و اختصاص آن به خداوند (افرادی جاهل مسلک و نا آشنا به فرهنگ اسلامی بودند).

2- هر مسلمانی ، بر خلاف عقاید خودشان را به کفر متهم می کردند.

آنها بر خلاف نظرخودشان بر اختصاص حکومت به خدا، **عبدالله بن وهب راسبی** را بعنوان رهبر انتخاب کردند و با هم به نهروان رفتند. در 9 صفر سال 38 امام در مقابل آنان صف آرای کرده و عده زیادی از آنان کشته و عده ای فرارکردند.

حضور خوارج تا قرن سوم ادامه یافت و در نبرد امام حسن و معاویه و حادثه کربلا و نهضت عباسیان علیه امویان نقش بسزایی داشتند.

سیاست معاویه در قبال حکومت علی (ع): با تجاوز به نواحی تحت حاکمیت او موجب شهادت شیعیان و یاران آن حضرت شد (**غارات**) ، درست در زمان تصمیم امام برای حمله به شام در رمضان سال 40 به شهادت رسیدند.

بسر بن ارطاه ، خشن ترین چهره شام در زمان غارات
به مدینه و یمن و مکه تاخت.

اصول و سیره حکومت علی (ع) :

1- خدا محوری و دین باوری: در نهج البلاغه نامه
47 به آن اشاره شده است.

2- حفظ کرامت انسانی: بخاطر خضوعش از احترام
نابجای مردم به خودش ناراحت می شد.

3- عدالت: او را امیر عدل خواندند.

اقدامات امام در راستای عدالت:

الف) الغای امتیازات سیاسی و حکومتی مثل: عدم
تقسیم عادلانه غنائم، امتیاز خواهی بنی امیه و
فرزندان ابوسفیان در دوره خلیفه سوم، تفاخر نژادی
(عجم خواندن ایرانیان).

ب) استرداد اموال عمومی از متجاوزان (فرمود اگر
مهریه زنان هم باشد بر می گردانم).

ج) اصلاح نگاه اجتماعی به ارزش ها: (امتیاز و
برتری طلبی انصار و مهاجر را کمرنگ کرد).

4- درآمیختگی اخلاق با سیاست.

5- مدارا با مردم.

6- اهتمام به امر آموزش و تربیت مردم.

امام حسن (ع): در پانزدهم رمضان، سال سوم هجری در
مدینه متولد شد.

و در سال 49 ه.ق. در آخرین روزهای ماه صفر به شهادت رسید.

آیه قرآن (انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت...) در منقبت ایشان هم بوده است.

امامت او: از رمضان سال 41 (جایگاه امامت امام حسن در اقامتگاه حاضرین در بازگشت از صفین برای تمام مردم توسط علی (ع) ترسیم شد.)

امام حسن (ع) به معاویه هم می نویسد که امرحکومت به او سپرده شده است.

دعوت کنندگان به بیعت با حسن: عبدالله بن عباس و قیس بن سعد. قیس بن سعد بن عباده انصاری که خود از یاران باوفای حضرت علی، و فرمانده سپاه ایشان بودند؛ اولین کسی بودند که با امام حسن بیعت کردند.

گرایش های متفاوت در بیعت با ایشان: 1- امامت او یعنی ادامه راه علی (ع) و نفی حکومت شام. 2- تنها شایسته حکومت بر مبنای اصول اسلامی.

بیعت گیرندگان نقش نزدیکی و قرابت او با پیامبر(ص) و امام علی (ع) را مستمسک در بیعت قرار می دادند.

امام برای مشروعیت حکومت خود به احادیث نبوی و آیات قرآن (که در باره منزلت اهل بیت ، وجوب اطاعت اولی الامر و ارجاع منازعات حقوقی و اجتماعی به اهل بیت و اولی الامر است) استفاده کردند.

در زمانی که ایشان به حکومت رسیدند، اوضاع سیاسی و امنیتی جامعه دچار آشفتگی شده بود. از جمله مشکلات آن زمان به راه انداختن جنگ روانی بر علیه مسلمانان توسط معاویه بود که از روزهای پایانی عمر امام علی آغاز شده بود. در نتیجه امام برای

پایان بخشیدن به این اوضاع نابسامان، سپاهی به فرماندهی **عبدالله بن عباس** برای مقابله با سپاه معاویه روانه کرد. از سوی دیگر سپاه معاویه عازم مدائن بودند و امام نیز سوی مدائن راهی شدند.

پیشنهاد صلح با امام به رهبری مغیره بن شعبه و عبدالله بن عامر از طرف معاویه انجام شد و بدون نتیجه ماند، ولی در راه برگشت به دروغ خبر صلح را منتشر کردند و باعث درگیری در سپاه امام و مجروح شدن امام توسط نیروهای خوارج شدند.

مردم عراق هم بدلیل احتمال پیروزی معاویه حاضر به همراهی با امام نشدند و به سپاه معاویه پیوستند. در نتیجه عبدالله بن عباس نیز فریب معاویه را خورد و شبانه به او پیوست اما تلاش معاویه برای فریب قیس بن سعد بی نتیجه ماند و با سپاه شام درگیر شد که باعث کشته شدن عده ای از سپاهیان ایشان گشت.

با توجه به اوضاع پیش آمده و نامه های مکرر از سوی معاویه به امام، سرانجام هنگامی که امام وضعیت بحرانی سپاه و ناپایداری عراقیان و خیانت اشراف را مشاهده نمود، حاضر به پذیرفتن صلح شدند. در نهایت:

1- وضعیت بحرانی سپاه 2- ناپایداری عراقیان 3- خیانت اشراف 4- تردید برخی افراد منجر به پذیرش صلح شد.

علل صلح امام حسن (ع):

1) عدم حضور و رقبت مردم به جنگ با سپاه شام: از آنجایی که بسیاری از شهرها در تصرف معاویه بود و تعرض سپاه معاویه به فارس و یمن و باعث مشغول شدن نیروها گشته بود و مردم عراق که هنوز خاطره خوارج را فراموش نکرده بودند؛ تمایلی به

جنگ نداشته و اندکی به امام پیوستند که پس از مدتی متزلزل گشتند.

2) سستی سپاه: بسیاری از سپاهیان به دلیل حوادث صفین و عدم اطمینان به اشراف و بزرگان، بی هیچ پایداری یا تسلیم شدند یا کنار کشیدند.

3) حضور خوارج در سپاه: بسیاری از خوارج نیز فقط به انگیزه انتقام گیری به امام پیوستند و چندان از امام تبعیت نمی کردند.

4) حفظ نخبگان شیعی: از آنجا که بسیاری از بزرگان اسلام و شیعه در نبردهای مختلف به شهادت رسیده بودند، ترس از شهادت اندک نخبگان باقی مانده باعث شد که امام به صلح رضایت دهد.

5) جایگاه معاویه در نگاه نومسلمانان: معاویه توانسته بود با فریب و تبلیغات خودش را ازصحابی پیامبر معرفی کند و در افکار عمومی تاثیر مثبتی نهاده و باعث شده بود او را از حامیان اسلام بدانند. در این زمان صلح امام حسن می توانست به افشای چهره حقیقی معاویه کمک کند و او خود اعلام می دارد که این کار به هیچ وجه به حکومت معاویه مشروعیت نمی بخشد و بنابر درخواست مردم به صلح با معاویه تن در می دهد و شرایط ایشان مورد موافقت قرار نمی گیرد.

شرایط صلح امام حسن با معاویه :

ب- کسی را بعنوان ولیعهد خود انتخاب نکند و کار خلافت را به شورا واگذارد.

5- مسلمانان به طور عموم در هر کجا که باشند از او در امان باشند.

ب- به هیچ دلیلی به اهل بیت در نهان و آشکار بدی نکند و ایشان در امنیت باشند.

جریان های فکری و سیاسی در عصر امام حسن (ع):
این جریانات به دو بخش عمده تقسیم می شوند: جریان شیعی و غیر شیعی.

الف) جریان شیعی: این جریان در شهر های عراق و بصره و حجاز بود که از شاگردان و یاران امام علی و صحابه پیامبر بودند. اینان با صلح مخالف بودند از جمله **حجر بن عدی** و **عمرو بن حمق خزاعی**. اینان به مبارزات قهر آمیز خود ادامه دادند، به همین دلیل معاویه آنان را به قتل رساند. عده ای دیگر با امام حسن و امام حسین به مدینه آمده و جریان های فکری و فرهنگی را بنیان نهاده بودند. مانند **مسلم بن عقیل و میثم تمار**.

ب) جریان های غیرشیعی:

این جریانات بعد از حاکمیت یافتن بنی امیه برسرزمین اسلامی به وجود آمد که به سه جریان عمده فکری و سیاسی می توان اشاره کرد:

1- عثمانیه: این جریان بعد از کشته شدن عثمان در قیامی عمومی به وجود آمد. اینان از بیعت با امام خودداری کردند. عده ای از آنان نیز در سپاه شام بودند که به عثمانی شهرت داشتند. اینان در ترویج اندیشه ها و تبلیغات ضد اهل بیت و جریان شیعی فعال بودند.

2- خوارج:

بقایای خوارج با جذب عناصر جدید در عصر امام حسن به یکی از جریانهای سیاسی و فکری تبدیل شدند. آنان نبرد با معاویه را ضروری می دانستند و از طرف دیگر به دلیل مخالفتی که با امام علی داشتند با امام حسن نیز بیعت نکردند و به منظور انتقام از معاویه وارد سپاه امام شدند و در فروپاشی سپاه

امام نقش مهمی ایفا کردند و معاویه بعد از صلح به سرکوبی آنها پرداخت و گروهی از شیعیان نیز بر خلاف نظر امام در سرکوبی خوارج با معاویه همراه شدند.

3- مرجئه: از کلمه ارجاء گرفته شده و به دو معناست: یکی انجام دادن کاری پس از کار دیگر و دوم امید داشتن به آینده.

علل نامگذاری این فرقه: 1- نیت و عقیده را اصل شمردند و کردار را بی اهمیت دانستند. 2- همانطور که عبادت کردن با کفر سودی ندارد گناه کردن نیز چیزی از ایمان نمی کاهد. 3- به معنی امیدوار کردن است. اینان اهل گناهان کبیره را با ادای شهادتین از طریق ایمان نومید نمی ساختند و آنان را کافر نمی شمردند.

تنوع اندیشه مرجئه باعث شد به چندین گروه تقسیم شوند:

1- گروهی بعد از قتل عثمان پدید آمدند. گروهی از مردم از آنان حمایت کردند و بعد از کشته شدن عثمان در خونخواهیش با معاویه همراه شدند.

عقاید مرجئه: این گروه بر این بود که برای ایجاد وحدت در جامعه باید در مورد حق و باطل بودن عثمان و علی را به قیامت واگذار کرد. همچنین رتبه اعمال را متاخر از رتبه ایمان می دانستند و معتقد بودند که گناهان کبیره به ایمان انسان ضرری نمی رساند.

آنان ابتدا یک جریان سیاسی بودند و بعد ها به جریان کلامی کشیده شدند و در توجیه خلافت معاویه به او کمک بسیاری نمودند.

باب امام حسن: امامان شیعه با توجه به اوضاع جامعه سعی نمودند تشکیلات منسجمی را بنا کنند که

به انتشار و توسعه و بالندگی اندیشه شیعه و حفظ روابط عاطفی و معنوی شیعیان با امامت پردازند که به آنان باب می گفتند و امام حسن دواب داشتند:
باب سفیه و باب میثم تمار.

رابطه امام با شیعیان: بعد از صلح ، معاویه از هر روشی برای جلوگیری از هر گونه شورش علیه حکومت استفاده می کرد از جمله اینکه بسیاری از حامیان و هواداران امام را از شهر کوفه تبعید کرد. امام نیز به مدینه رفت و بطور غیر علنی هدایت شیعیان را به عهده گرفتند در نتیجه معاویه برای عملی نمودن اهداف خود، امام را به شهادت رساندند و بعد از آن فرزندش یزید را به ولایتعهدی خود منصوب کرد.

تاریخ و امامت امام حسین:

ایشان در سوم شعبان سال 4 هجری بدینا آمده و در 10 محرم سال 61 به شهادت رسیدند. بعد از امام حسن (ع) امام حسین (ع) امامت شیعیان را بر عهده گرفتند. ایشان نیز با توجه به اوضاع سیاسی انزوا و کناره گیری از صحنه سیاسی را ترجیح دادند. اقدامات معاویه در این دوره: 1- دستور سب و لعن امام علی 2- قتل و آزار شیعیان 3- احادیث بسیاری را جعل نمود. اما امام در این زمان به تقیه رو آوردند و شیعیان به طور مخفی با امام ارتباط برقرار می کردند.

اقدامات دیگر معاویه که سرکوبگرانه بودند عبارتند از: 4- قتل حجر بن عدی و عمرو بن حمق که ترس و هراس را بر جامعه شیعیان حاکم کرد. 5- از دیگر اقدامات معاویه موروثی نمودن حکومت و تعیین یزید به عنوان ولایتعهدی خود بود که این اقدامات باعث برانگیخته شدن احساسات شیعیان بود.

امام حسین و بحران حاکمیت سیاسی مسلمانان:

بعد از مرگ معاویه در سال 60 هجری پسرش یزید به خلافت رسید. او که رفتاری ضد اسلامی داشت اولین اقدامش گرفتن بیعت از 4 تن از رهبران مخالف در حجاز بود. حتی در صورت امتناء دستور قتل آنها را نیز صادر کرده بود. از آنجایی که یزید آشکارا به مبارزه با اسلام پرداخته بود، امام نیز به ناچار راه **مبارزه عملی** را پیش گرفت.

حرکت جهادی امام حسین (ع):

امام بعد از آگاهی از نامه یزید به فرماندار مدینه به همراه خانواده خود (حدود 4 ماه) به مکه رفت و بعد از برملا شدن توطئه ای علیه امام از مکه خارج شد و به سوی عراق راه افتاد. چرا که بسیاری از رهبران معتبر شیعی چون **سلیمان بن سرد**، **حبیب بن مظاهر** و ... در آنجا حضور داشتند. این رهبران بر عزیمت امام به عراق و قیام علیه یزید و با اصرار، نامه های متعددی به امام نوشتند و او را به عراق دعوت نمودند.

اعزام نماینده به کانون بحران و تحولات:

امام برای آگاهی از وضعیت عراق، پسر عموی خود **مسلم بن عقیل** را به آنجا اعزام نمودند. از دلایلی که امام مسلم را برای این امر انتخاب کرد: این بود که مسلم مورد قبول و احترام کوفیان بود و مدتی نیز در آنجا زندگی می کرده است. و از طرف دیگر ایشان تنها شخصی بود که می توانست پیام امام را بخوبی به مردم و شیعیان ابلاغ کند.

مسلم به کوفه رفت و در منزل یکی از رهبران شیعه سکونت گزید. ایشان با برگزاری جلسات متعدد و اقبال عمومی مردم کوفه نامه ای به امام نوشت و ایشان را برای ورود به کوفه دعوت کرد.

حضور مسلم در کوفه، یزید و امویان را به وحشت انداخت و یزید یکی از فرماندهان مستبد خود را به آنجا فرستاد. از جمله دلایلی که باعث شد فضای کوفه بر ضد مسلم شود: 1- سیاست تبلیغی و تهدید و ارعاب امویان و ابن زیاد در کوفه ، 2- مردم استبداد زده از بحران های سیاسی، 3- حضور مهاجران متنوع و گوناگون و در نتیجه مسلم بن عقیل دستگیر و به شهادت رسید. امام در بین راه از شهادت مسلم آگاه شد و این برای امام پیام آور نبردی بود اجتناب ناپذیر.

عزیمت امام به سمت عراق:

امام برای بار دوم نماینده دیگری به نام **قیس بن مسهر** به کوفه اعزام کرد، اما او نیز توسط ابن زیاد به شهادت رسید در منطقه ای به نام شراف با سپاه حر روبرو شد و عبیدالله به حر دستور توقف امام را در کربلا داد. از روز دوم تا روز عاشورا جنگ ادامه یافت و در روز عاشورا بیش از هفتاد تن از یاران امام به شهادت رسیدند و بسیاری از خاندان او از جمله امام سجاد به اسارت رفتند.

اهداف نهضت امام حسین:

امام هدف نهضت خود را اصلاح جامعه تباه گشته می دانست و فساد را در بین مسلمانان، سبب قیام و نهضت خود می داند و راه نجات آن را نیز اصلاح امور مسلمانان می داند و حضرت فساد جامعه را ناشی از: 1- حاکمیت یزید و بی مسئولیتی او ، 2- مصلحت طلبی نخبگان جامعه 3- عدم پایبندی به ارزش های دینی و رسالت انسانی می داند.

ایشان جامعه ای را که به ارزش ها پشت کرده و دنیا گرایی را به جای دین مداری نشانده اند ، تحمل ناپذیر می خواند؛ شهادت را تنها راه خروج از این

بن بست اعلام می کند. ایشان مرگ در راه خدا و شهادت را برای یاران اینگونه بیان می کند: مرگ بر فرزندان آدم همانند گردنبنند بر گردن دختران است.

پیامدهای نهضت عاشورا:

نهضت عاشورا پیامدهای گوناگونی درعرصه های سیاسی واجتماعی و اخلاقی و معنوی داشته است:

1- پایان یافتن حکومت سفیانیان در سال 63 هجری، روشن شدن خط اسلام اصیل از خط نفاق ونیرنگ، تغییر در مبارزات امام سجاد و پیام رسانی نهضت عاشورا از سوی امام سجاد و زینب کبری (س) و قیام توابعین.

2- بعد از حضرت علی، مرجعیت علمی ودینی اهل بیت وامامان شیعه در حال فراموشی بود اما نهضت عاشورا این جایگاه را احیا نمود. و از امام سجاد به بعد هر یک از امامان شیعه دارای یک حوزه علمی، فقهی و تربیتی بزرگی شدند که صدها عالم فرهیخته و نخبه علمی و دینی و سیاسی را پرورش دادند.

3- از دیگر پیامدهای این نهضت؛ ایجاد حماسه غیرت ، حمیت و شجاعت در میان مسلمانان بود. همچنین سخنرانی ها و حضور فعال حضرت زینب در روز عاشورا و بعد از آن ، باعث شد که عاشورا تاثیر سازنده ای بر جامعه آن روز بگذارد و حادثه عاشورا را در اذهان عموم ماندگار سازد.

بنیانگذاری نهضت فرهنگی و تدوین هویت حقوقی شیعه

تاریخ امامت امام سجاد: امام علی بن حسین روز پنجم شعبان سال 38 هجری در مدینه متولد شد. مادر ایشان شهر بانو دختر یزدگرد سوم پادشاه ایران است. در

سال 95 هجری پس از 34 سال امامت بدست عمال حکومت به شهادت رسید.

امامت ایشان با حاکمیت پنج حاکم ظالم اموی و مروانی همراه بوده است.

امام سجاد روایتگر و ادامه دهنده نهضت حسینی:

امام سجاد در واقعه عاشورا به سختی بیمار بودند اما بعد از آن با استفاده از ظرفیتهای معنوی و دینی نهضت عاشورا فرصت یافتند چهره واقعی اسلام را به مردم نشان دهند. اولین گام ایشان سرزنش کوفیان عهدشکن بود. ایشان همچنین به سرزنش دستگاه حاکمیت اموی نیز پرداختند. اولین رویارویی ایشان بعد از واقعه کربلا، با یزید و حاکم کوفه بود.

امام و دیگر اسیران راهی دمشق که مرکز حکومت یزید بود شدند. امام در مجلس یزید او را وادار ساخت که به او اجازه دهد تا به مدینه باز گردد.

واقعه حره

آگاهی مردم مدینه از واقعه کربلا، باعث شد که کینه و نفرت از حکومت اموی در دل مردم بیشتر شود. در نتیجه مردم مدینه به دعوت **عبدالله بن زبیر** که از هر فرصتی استفاده می کرد که به قدرت برسد پاسخ مثبت دادند و در سال 63 برضد حاکم مدینه قیام کردند. یزید، **مسلم بن عقبه** را مامور سرکوبی مردم مدینه کرد و بسیاری از بزرگان مدینه بجز زن ها و بچه ها به قتل رسیدند و مدینه به مدت سه روز غارت شد.

امام به همراه خانواده و مقداری از مردم مدینه به بیرون شهر در منطقه (ینبع) رفته و ایشان شفاعت بسیاری از مردم مدینه را از مسلم بن عقبه خواستار شدند که مسلم به آن پاسخ مثبت داد. و زمانی که یزید قصد داشت ابن سعد را زمامدار مدینه کند،

زنان در مسجد تجمع کردند و مردان نیز با آنان همراه شدند و حکومت از این تصمیم منصرف شد.

قیام توابین

یکی از بازتاب های نهضت امام حسین جنبش **توابین** بود که هسته رهبری آن را **شیعیان کوفه** تشکیل می دادند. اساس این قیام بر بازگشت از گناه و توبه قرار داشت و به همین دلیل آن را توابین نامیدند.

عواملی چون : 1-شهادت امام حسین 2- اسارت خاندان ایشان، 3-سخنان آتشین حضرت زینب و خطبه امام سجاد در کوفه در برانگیختن احساس گناه در آنان موثر بود.

این جنبش به رهبری پنج تن از رهبران شیعه کوفه تشکیل شد: **سلیمان بن مرد خزاعی، مسیب بن نجبه، عبدالله بن سعد، عبدالله بن دال، رفاعه بن شداد.**

آنان از سال 61 به سازماندهی و فراهم کردن تجهیزات نظامی پرداختند اما ابتدا بدلیل سخت گیری های حکومت، فعالیتها مخفیانه انجام می گرفت. و سلیمان در طی نامه های متعدد به سران کوفه و دیگر شهر ها از آنان خواست تا در این قیام او را همراهی کنند. بعد از مرگ یزید در سال 64، توابین از سلیمان خواستند تا علیه **عمرو بن حریث** جانشین **عبید الله بن زیاد** شورش کنند، اما سلیمان آنها را از عجله باز داشت و طی نامه ای به رهبران شیعه در بصره و مداین نظر آنها را برای قیام خواستار شد. که همگی پاسخ مثبت دادند. بعد از کناره گیری معاویه پسر یزید از حکومت امویان ضعیف شدند، با جنبش **مختار سقفی** بسیاری از اشراف کوفه به هراس افتادند و به **عبدالله بن زبیر** پیوستند.

سرانجام در سال 65 ، توابین علیه حکومت شام قیام مسلحانه خود را آغاز کردند. آنها نخیله حرکت کردند و پس از زیارت مرقد امام حسین به سوی شام

روانه شدند. اختلاف داخلی مروانیان باعث هموار شدن سیرحرکت توابین شد. سرانجام در نبرد بسیاری از توابین و سران آنها بجز **رفاعه** کشته شدند.

از دلایل شکست قیام توابین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- اختلافات داخلی و نابرابری سپاه آنان.
- 2- نگاه خاص رهبران و اعضای آنها به مشارکت در این جنبش بود. آنان بیشتر در اندیشه توبه و شهادت بودند و مبارزاتشان جنبه بیرونی داشت.

قیام مختار ثقفی

باقیمانندگان قیام توابین به کوفه بازگشتند و به مختار ثقفی که در زندان بود اعلام وفاداری کردند. جنبش توابین و قیام مختار هر دو به خونخواهی امام حسین بود، اما تفاوتی که داشتند این بود که جنبش مختار علاوه بر انتقام از قاتلان امام حسین در حادثه کربلا، اهداف سیاسی دیگری نیز داشت. مختار یک سال پس از قیام توابین به کوفه حمله کرد و عبدالله بن زبیر را از آنجا بیرون کرد. او همه فرماندهانی را که در کربلا بر علیه امام شرکت داشتند به هلاکت رساند. او ابتدا سعی کرد، قیام خود را به امام سجاد مرتبط کند، اما امام نپذیرفت و بعد از آن به سراغ محمد حنفیه رفت. او نیز به دلیل شرایط خاص سیاسی به تایید کلی اکتفا کرد. و به این دلیل بسیاری از شیعیان و غافلان سیاسی به سمت محمد حنفیه جلب شدند و او را به مقام رهبری شیعه پذیرفتند. اما از جمله مخالفان محمد حنفیه، ابراهیم بن مالک **اشتر** بود که به امام سجاد گرایش داشت، ازطرف دیگر در عراق بسیاری از نمایندگان بنی زبیر با قاتلان امام حسین همکاری می کردند که این باعث افزایش نفرت مردم از حکومت می

شد. مختار بعد از تسلط بر کوفه بسیاری از عاملان و قاتلان امام حسین را به قتل رساند. اما قیام مختار با دسیسه و همکاری زبیریان و فشار نظامی حکومت مروانیان شکست خورد.

نقش موالی در جنبش مختار:

یکی از بازتابهای جنبش مختار حضور گسترده موالی در این جنبش و سپس در حکومت وی بود. ایرانیان در سرکوبی شورش اشراف علیه مختار موثر بودند و در دوره معاویه نیز تعداد آنها فزونی یافت، در واقع یکی از اثرات حرکت مختار قوی شدن نیروی موالی در عراق بود که باعث افزایش حضور آنها در امور اجتماعی و سیاسی شد.

فرقه کیسانیه و امامت امام سجاد:

یکی از پیامدهای قیام مختار، نفوذ محمد حنفیه، فرزند امام علی، در میان شیعیان بود. زیرا مختار خود را نماینده ایشان می دانست. به همین دلیل برخی امامت را بعد از امام حسین، از آن محمد حنفیه می دانند، که به آنها کیسانیه میگویند. زیرا برخی آنها را به **کیسان**، خدمتکار امام علی که در خدمت محمد حنفیه بود، منتسب می کنند و عده ای هم نیز کیسان را لقب مختار میدانند.

سیاست تقیه :

امامان شیعه به دلیل فشار و استبداد حاکم بر جامعه، کمتر می توانستند اندیشه های شیعی خود را

بازگو کنند، در نتیجه در عصر اموی و عباسی روشی را برگزیدند که به آن تقیه می گویند.

تقیه در لغت عرب به معنای محافظت از خویش است و انواعی دارد مانند: **اکراهیه**، **خوفیه**، **کتمانیه** و **مداراتی**.

نوع شدید تقیه **اکراهیه** است. یعنی عمل کردن بر اساس و دستورهای حاکمی ظالم است، آن هم به هنگام ضرورت.

تقیه خوفیه: عبارت است از احتیاط کامل اقلیت شیعه در شیوه زندگی و معامله با اکثریت برای حفظ و حمایت خود و هم مذهبان خویش.

تقیه کتمانیه: پنهان داشتن ایمان خویش است برای جلوگیری از آزار و اذیت و تعقیب دشمن.

تقیه مداراتی: نیز که بیشتر ناظر به امور اجتماعی است که همان رعایت قوانین همزیستی با بیشتر اهل سنت و شرکت عبادی و اجتماعی آنها برای حفظ و حرمت اسلامی در جامعه است.

به این صورت امامان شیعه از جمله امام سجاد با بکار بستن تقیه بعنوان یک خط مشی مبارزاتی از یک سو، اندک نخبگان را از هجوم حکومت حفظ نمودند و از دیگر سو به تبلیغ غیر علنی و سازمان یافته عقاید شیعی پرداخت و ایشان همواره بر دو اصل پایبند بودند. شکیبایی و رازداری و پرهیز از افشای اسرار.

از آثار گرانبه‌ای امام سجاد ، **صحیفه سجادیه** است که مجموعه ای از بینات و مناجات های ایشان است که با ظاهر کاملاً غیر سیاسی می باشد.

تاریخ امام باقر(ع):

امام باقر فرزند ارشد امام سجاد در سوم صفر 57 ه.ق. متولد شد و در 7 ذیحجه سال 117 به شهادت رسید. امامت ایشان مصادف با خلفای مروانی بود. ایشان بخاطر فضل و دانش بیکرانیش ملقب به باقر شد. یعنی مردی که شکافنده میباشد و ژرفای علم را دریافته و بررسی می کند. دوران امامت ایشان نیز با فشار از سوی خلفای بنی امیه و حکام آنها و شکل گیری قیام ها و جریانهای سیاسی و فقهی و کلامی همراه بود، به همین خاطر ایشان نیز به تقیه روی آوردند و به فعالیت های خود در زمینه های علمی و فرهنگی در حوزه های فقهی، کلامی و حقوقی ادامه می دادند.

جریان ها و مسلک های فقهی ، تفسیری و حدیثی :

دوران امامت امام محمد باقر مصادف با اوجگیری مسلک های فقهی، تفسیری و حدیثی است. بزرگانی چون **ابن شهاب زهري، قتاده، هشام بن عروه** در بین سالهای 95 تا 114 هجری فعالیت داشته اند و برخی از اینان به دستگاه حکومت وابستگی شدیدی داشتند تا جایی که امام گاهی از آنان شکوه می کنند. از جمله جریانهایی که در دوران امام محمد باقر بوجود آمد به موارد زیرمی توان اشاره کرد:

جریان مرجئه یا توجیه گرا:

جنبش **مرجئه**، حرکتی توجیه گرا بود که در زمان امام محمد باقر (ع) درکنار گروه "**قدریه**" به رهبری **حسن بصری** بنیانگذاری ومبلغ اندیشه های دینی شد.

والبته امام در دو عرصه ایجابی و سلبی با این اندیشه های شبهه آلود و سطحی برخورد نمودند.

الف) فعالیت های امام درعرصه ایجابی:

مربوط به فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام میشود که با تاسیس مدرسه فقه، حدیث و کلام و تربیت که توسط امام سجاد بنا شد با فعالیت‌های امام باقر به رشد و بالندگی رسیده بود، صدها نخبه و فرهیخته را در جهان اسلام تربیت نمود.

از مهمترین آثار و خدمات بر جای مانده از نقش فعال امام در این عرصه: هزاران حدیث در علوم فقه، کلام و اعتقادات، تاریخ، تفسیر و علوم اخلاقی است.

بزرگانی چون **ابو بصیر فقیه بزرگ، کمیت بن زید اسدی** شاعر نامدار و **تمار شیعی** از جمله تربیت یافتگان امامند.

(ب) فعالیت‌های امام در عرصه سلبی :

شامل کلیه فعالیت‌هایی می‌شود که امام در برابر بسیاری از جریان‌ات انجام می‌دادند. ایشان در مقابل گروه توجیه گرا اعم از قدریه و مرجئه که مردم را به پذیرش وضع موجود دعوت می‌کردند. ایستاد و برای بازشناسی آنها به تدوین اصول پرداخت. در واقع ایشان با تکیه بر روش اصول تقیه برای احیای اندیشه و تفکر اسلامی و فرهنگی شیعی سبب نیاز و ضرورت فرهنگی فعالانه میکردند.

مواضع سیاسی امام و برخورد حکومت:

امام باقر نیز مانند پدر خود اصل تقیه را برای امنیت شیعیان و رهبران آنها به کاربرد و در برابر حکومت و مظالم آنها سکوت نکرد و با تبیین خط امامت مشروعیت حاکمیت را زیر سوال برد و نخبگان را به اعتراض علیه حاکمان تشویق می‌کرد. در نتیجه حکومت همیشه به امام بدبین بود و پیوسته ایشان را

زیر نظر داشتند تا اینکه هشام به اجبار امام و فرزندانش را در دمشق نگاه داشتند و برای تحقیر ایشان مناظره ای با رهبران مسیحی تشکیل دادند که باعث سرافرازی امام شد و بعد ایشان را به مدینه باز گرداندند و در نهایت امام را به شهادت رساندند.

تاریخ امامت امام صادق :

امام صادق در سال 83 هجری متولد شدند. ایشان در بحرانی ترین اوضاع جهان اسلام امامت شیعیان را بر عهده گرفتند. دورانی که مصادف بود با شکل گیری جنبش عباسیان و سقوط دولت امویان. ایشان بنیانگذار مکتب جامع حقوقی و فقهی شیعه بودند. ایشان در زمینه های علوم حدیث و فقه و علمی و سیاسی معارف ارزشمندی به یادگار گذاشتند.

دوره ایشان از نظر سیاسی و فرهنگی بسیار مورد توجه بود. 1- از نظر سیاسی ، این دوره همراه با حکومت بنی عباس بود. 2- از نظر فرهنگی نیز دورانی بود که بیشتر علوم اسلامی از جمله فقه و حدیث، تدوین و منتشر شد و علم کلام مجال بروز یافت.

امام صادق برای انتشار علوم اهل بیت و در دفاع از مذهب شیعه در برابر سایر فرق مسلمانان و نیز حملات ملحدان بسیار کوشید.

نهضت علمی و فرهنگی در عصر امام صادق(ع) :

این دوران را می توان دوران اوجگیری فرقه های مذهبی و تکوین نحله های فکری دانست. و علت آنها را میتوان دوری جستن خلفا و حکومت های بعدی از آموزه ها و اندیشه های دینی دانست.

در این دوران که مردم سرزمین های فتح شده با نوعی تغییر در ترکیب جمعیتی مواجه گشته بودند و رهبران نمی توانستند به درستی و به صورت جامع دین را عرضه کنند. از این رو مردانی در سرزمین های دوردست و به دور از یاران پیامبر فقط شعارهای عدالت، صلح و برادری را شنیده و به تدریج عقاید و آرا و آیین ادیان و مذاهب دیگر وارد اسلام شد و هر یک خود را مکتب و فرقه مذهبی اسلام می نامیدند.

امام صادق (ع) در چنین شرایطی با پشتوانه غنی از ذخایر معنوی و دینی به تکمیل و تحکیم پایه های علمی و حقوقی و فرهنگی تشیع پرداخت و آن را بارور ساخت و ایشان با تاسیس مدرسه فقهی بقاء استمرار شیعه را تضمین نمود.

یکی از شاگردان امام به نام **ابوالحسن بن ائین** (زراره) در مقام مرجع علمی و فقهی به امام کمک بسیار نمود. و شاگردان **زراره** نیز به نام **الزراریه** یا **التمیمیة** شناخته می شدند و فعالیت های او و شاگردانش کمک بسیاری به امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) کردند.

امام صادق (ع) و نظریه امامت:

پیدایش اندیشه های زیدیه، کیسانیه و رواج جنبش های مدعی مهدویت و قیام عباسیان باعث شد درمورد نظریه امامت ابهامات و تردیدهای گوناگونی به وجود آید. و امام با تمسک به مبادی اولیه مفهوم رسالت و امامت به شرح و گسترش قواعد و اصول امامت می پرداخت و بیشتر معطوف به دو اصل مهم و بنیادی در امامت شیعی بود:

1- نص در تعیین امام: امامت موهبتی است ازسوی خداوند به شخص برگزیده ای از خاندان پیامبر و امام قبل از رحلتش، امامت خود را به امام بعدی منتقل می کند. بنابر نص امامت در تمام شرایط سیاسی به فردی از اعقاب فاطمه و علی (ع) محدود می

شود و پیامبر امامت را به حضرت علی و بعد از ایشان به فرزندان و سپس نسل های بعدی منتقل شد و این امر مهمترین وجه تمایز عقیدتی این گروه از شیعیان امامیه بود.

" نص در امامت یعنی احادیثی که به انتقال علم ازلی به گونه ای انحصاری به امامان خاص الهی از خاندان پیامبر و از نسل علی اشاره دارند "

2- علم امام: بهترین حدیثی که شیعه برای علم امام که بدان تمسک می کنند، حدیثی است که همه فرق اسلامی آن را نقل می کنند: " من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است. "

همه منابع اهل سنت و شیعه گزارش می دهند که امام صادق(ع) در مسائل مذهبی، علوم، و معارف از دانشی بیکران و علمی سرشار برخوردار بوده اند و دانش امامان از علوم معارف اسلامی و اسرار هستی از ویژگی های ممتاز و حتمی آنان است.

پایه گذاری فرهنگ مکتوب:

امام صادق به منظور ماندگاری و تعالی در علوم اسلامی، در فرصتی که در اختیار شیعه و اندیشمندان اسلامی قرار گرفت به فرهنگ سازی دینی و انتقال موارث اسلامی به نسل های بعدی پرداخت. بر اثر همین تلاش امام صادق بود که عالمانی از شاگردان او به تدوین رساله ها و کتب در مسائل مختلف علوم اسلامی پرداختند. امام با تمسک به آموزه های نبوی به شاگردان و فرهیختگان شیعی اش توصیه می کرد که علم را مکتوب و تدوین نمایند.

جنبش های شیعی در عصر امام صادق :

1- جنبش زیدیه: این جنبش بخاطر اینکه رهبر آن زید فرزند امام سجاد (ع) بود به زیدیه معروف شد و

بدلیل عدم همکاری با نظام های حکومتی، سازش ناپذیری آنان در برخورد خشونت آمیز با حاکمان و حکومت ها شهرت فراوان در جهان اسلام بدست آوردند.

2- زید برعلیه هشام بن عبد الملک قیام کرد و در سال 122 هجری مبارزات خود را با تکیه به امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی امام حسین آغاز نمود ولی شکست خوردند و زید دستگیر شد و به شهادت رسید. این قیام زمینه ساز جنبشی فراگیر علیه حکومت ها شد و از نظر فکری باعث پیدایش اندیشه زیدیه گردید. زیدیه با اعتقاد به اصل امامت به شیعه اثنی عشریه و گرایش فقهی به فقه حنفی تا حدودی به این مذهب نزدیک شدند.

مهمترین اصول اعتقادی زیدیه:

- 1- تاکید بر فاطمی نسب بودن امام و حصر امامت در فرزندان آن حضرت.
- 2- افضلیت امام علی بر سایر صحابه در خلافت و در عین حال جواز تقدم مفضول بر فاضل.
- 3- پذیرش و جواز وجود دو امام در یک زمان در دو منطقه.
- 4- قیام مسلحانه در برابر ظلم.
- 5- مشروعیت امام مشروط به دعوت آشکار به خود و قیام علیه ظالمان است.

یحیی فرزند زید در نواحی مشرق جهان اسلام قیام پدر را ادامه داد و به مدت سه سال قیام خونینی را در خراسان علیه امویان رهبری کرد و سر انجام در سال 125 هجری به شهادت رسید.

3- قیام محمد نفس زکیه :

اینان همواره با حکومت های ستم پیشه اموی ضدیت داشتند و بعد ها نیز در زمان عباسیان به مخالفت های خود ادامه دادند. چرا که عباسیان از ابتدا حکومت خود را حکومتی شیعه می دانستند و از همکاری فرزندان امام حسن استقبال می کردند. اما بعد از تثبیت حکومت به تدریج علویان را از حکومت جدا کردند و آنان همواره با علویان به ستم رفتار می نمودند تا اینکه در زمان **منصور** علویان روش خود را تغییر داده، به مبارزه روی آوردند. در نتیجه **محمد بن عبدالله بن حسن مثنی** معروف به **نفس زکیه** و برادرش ابراهیم در برابر عباسیان قیام کردند و در شهر های مختلف هوادارانی را بدست آوردند. محمد بن عبدالله در مدینه و برادرش ابراهیم در بصره تصمیم گرفتند هم زمان علیه حکومت منصور قیام کنند اما ابراهیم بیمار شد و هر دو قیام جداگانه صورت گرفت و حکومت هر دوی آنها را شکست داد. این قیام شدید ترین و گسترده ترین قیام مسلحانه علیه حکومت عباسیان در دو دهه نخست بود.

امام صادق (ع) با این قیام مخالف بود و بیان داشتند که این حرکت مورد حمایت مردم نیست و در نتیجه محمد بن عبدالله در همان روز های اول جنگ کشته شد.

امام صادق (ع) و اندیشه های غلو :

این اندیشه به زمان بعد از شهادت امام حسین و قیام مختار باز می گردد. پیروان این اندیشه مسلمانانی سطحی نگر و دورمانده از آموزه های اسلام بودند. آنان به اولوهیت و حلول نور الهی در امامان، بداء، تناسخ، تشبیه و رجعت معتقد بودند و گاهی به آنان رنگ و بوی سیاسی می دادند. اینان

خود را به هیچ تکلیف شرعی ملتزم نمی دانستند و جوهر دین را محبت به امامان می پنداشتند و بی قیدی آنها نسبت به شریعت باعث تنزل منزلت امامان شیعه بود و خطری برای شیعه محسوب می شدند و امام صادق به شدت به مبارزه با این جریان انحرافی پرداختند.

از اقدامات عملی امام در مبارزه با این گروه ها :

- 1- توصیه اکید ایشان مبنی بر اجتناب از تماس و رابطه با آنان بود. 2- امام نشانه شیعه را عمل به شریعت و منزه دانستن امام از الوهیت و تقوا پیشگی می دانست 3- مردم را از اقدامات تاویل گرایانه و نمادین کردن مفاهیم دینی بر حذر داشت. اقدامات امام باعث دور کردن و نجات یافتن شیعیان از جریان غلو شد.

مواضع سیاسی امام صادق در مقابل حکومت :

تقیه: ادعای رهبری مسلمانان و وحقانیت بی دلیل عباسیان و قبل از آنها امویان و برخی رهبران فرق و همچنین درک نکردن معانی دینی ازسوی عالمان سطحی نگر و کج اندیش از دلایل اصلی اتخاذ سیاست تقیه ازسوی امام (ع) بود.

درواقع اصل تقیه از زمان امام چهارم به بعد جهت بازسازی هویت شیعی، نیازمند ایمن سازی شیعیان بود و متناسب با علم الهی امامان نیز هست. ابتدا تنها افرادی خاص ظرفیت عمل و ادراک حفظ اسرار و علوم الهی را داشتند و امام تقیه را جهت حفظ اسرار ضروری می دانستند و آنرا به شیعیان نیز توصیه می کردند.

امام صادق این احتیاط و پنهان کاری را بعنوان اصل مسلم آموزش داد تا کاملاً تثبیت گردد. بگونه ای که امام را **بنیانگذار آئین تقیه در شیعه و اسلام** می دانند. بر همین اساس امام با روشی هوشمندانه و در

پوشش های مختلف به تبیین اندیشه سیاسی شیعه و امامت الهی پرداخت و به گونه غیر مستقیم مشروعیت حکومت سیاسی را بی اعتبار می ساخت.

سازمان وکالت: این سازمان از زمان امام صادق آغاز به کار کرد و وظایف و مشخصات ویژه ای داشت، از جمله:

1- تعیین و عزل وکیلان. 2- معرفی وکیلان به جامعه شیعی از طریق شبکه ارتباطی خاص. 3- نظارت بر کار وکیلان. 4- مقابله با جریان ها و اشخاص کاذب که خود را به امامان منتسب می کردند. 5- تامین مالی سازمان و فعالیت های فرهنگی و علمی و مبارزاتی شیعیان.

سازمان وکالت از این رو شکل گرفت که ارتباط گسترده و علنی شیعیان با امام با مشکل مواجه شده بود.

این شبکه به گونه ای پنهانی ارتباط شیعیان را با امامان حفظ می کرد و در دوران امامان بعدی نیز استمرار یافت.

در انتخاب وکیلان وثاقت، امانتداری، درستکاری، رازداری، هوشمندی، نظم و کاردانی آنان مورد نظر امامان بود.

امام صادق و قیام عباسیان :

عباسیان ابتدا به صورت مخفیانه با رهبری **ابو سلمه خلال و ابو مسلم خراسانی** دعوت خود را آغاز کردند. آنها ابتدا فعالیت خود را به اسم خاندان پیامبر و با شعار هواداری از آنان آغاز کردند. آنان نخستین قیام خود را در سال 129 آغاز کردند و

به پیروزی رسیدند. در همه دوران مبارزات، موضع امام در برابر دعوت و مبارزات عباسیان با احتیاط و نارضایتی همراه بود و بعد از تثبیت امام در شهرت و علم، نسبت به عباسیان اعلام نارضایتی کرد. به ویژه در دوران حکومت منصور، موضع گیری امام اعلام نارضایتی ایشان از حکومت بود. در به رسمیت نشناختن و نا مشروع دانستن حکومت عباسی، به قرآن و روایات استناد می کردند. و به همین خاطر بود که منصور عباسی، طرح شهادت امام و حذف آن حضرت را در سر پروراند تا اینکه سرانجام چنین شد.

عصر تکثروسازماندهی شیعه

تاریخ امامت امام کاظم:

امام موسی بن جعفر در سال 128 به دنیا آمد. او را به دلیل برخورداری از حلم و شکیبایی در قبال مخالفان و فرونشاندن خشم در مقابل دشمنان به کاظم ملقب گردید. سالهای امامت ایشان مقارن با حکومت چهار خلیفه عباسی (منصور، مهدی، هادی، هارون الرشید) بود.

دوران امامت ایشان همراه با تثبیت حاکمیت عباسی و قیام های متعدد علیه عباسیان است. به همین دلیل ایشان نیز سیاست تقیه را در پیش گرفتند و از آشکار نمودن آئین و امور عبادی و مذهبی شیعه سخت جلوگیری می نمودند و همچنین به گسترش سازمان وکالت پرداختند. ایشان همچنین با نفوذ دادن عناصر کلیدی از نخبگان شیعه، شیعیان را از خطر های ناشی از حکومت حفظ می کردند و همچنین مدرسه و مکتب فقهی-علمی امام صادق را استمرار بخشیدند و سعی

کردند از قیام های افراد پاک چون **شهید فخر** حمایت کنند.

قیام شهید فخر :

حسین بن علی یکی از علویانی بود که در دوره عباسیان به دلیل ظلم و ستم دست به قیام زد. او تعداد اندکی را در حجاز جمع کرد و با سپاه هادی عباسی در سرزمین فخر روبرو شد و بعد از درگیری به شهادت رسید. اگر چه امام خود در این قیام شرکت نداشت اما از او در مقابل عباسیان حمایت می کرد. به همین دلیل عباسیان امام را متهم کردند که قیام به دستور ایشان صورت گرفته و تصمیم گرفتند امام را به قتل برسانند، اما قبل از آن مرد.

امام کاظم و اسماعیلیه :

بعد از رحلت امام صادق در مورد امامت امام کاظم در بین شیعیان به اختلافاتی پیش آمد. چرا که عده ای معتقد به امامت **اسماعیل** پسر ارشد امام بودند. اما اسماعیل پیش از شهادت امام صادق از دنیا رفت و امام بسیار تلاش نمودند که مرگ او را بر همگان آشکار کنند. اما با این حال ، عده ای با ادعای زنده بودن او را مهدی خواندند و عده ای مرگ او را پذیرفتند اما فرزند او محمد را امام نامیدند.

آنها را اسماعیلیه نامیدند که بیشتر به قیام های مسلحانه مشهورند. اندیشه مهدویت در نزد اسماعیلیه امری ضروری بود، ولی امام کاظم به شدت به رد و نفی آنها در اسلام پرداخت. از جمله زمینه هایی که باعث پیدایش فرقه دیگر شیعی گردیده شیوه وصیت امام صادق در تعیین جانشین بود. امام سه نفر را وصی خود کرد. خلیفه و دو فرزند خود به نام عبدالله و امام موسی کاظم. عبدالله بعد از رحلت امام صادق از طرف گروهی از شیعیان بعنوان امام شناخته شد.

اینان **فطحیه** نامیده شدند. اما بتدریج معلوم شد که او امام نیست.

امام کاظم و حکومت عباسیان:

دوران امامت امام کاظم با اوایل شکل گیری حکومت عباسیان همزمان است در دوران منصور سخت گیری نسبت به شیعه بسیار بود اما امام در زمان مهدی عباسی به بغداد تبعید شد اما بعد از مدتی آزاد شد و به مدینه بازگشت.

در واقع بعد از قیام شهید فخر بود که سختگیری عباسیان نسبت به علویان زیاد شد و در زمان هارون الرشید به اوج خود رسید امام به شدت تقیه را پیشنهاد می کرد. امام در میان مردم نفوذ بسیاری داشت بطوری که معتقد بودند دو خلیفه وجود دارد، یکی هارون و دیگری موسی بن جعفر به همین خاطر هارون دستور زندانی کردن و قتل امام را صادر کرد و امام در سال 183 در بغداد به شهادت رسید.

امام کاظم و معتزله :

از زمان امام صادق (ع) جریانهایی در جامعه پیش آمد از جمله معتزله که یک جنبش عقل گرا بودند. اینان به توجیه گزاره های دینی در پرتو عقل توجه می کردند و مورد انتقاد امامان شیعه قرار گرفتند.

مهمترین مسائل مورد اعتنا و بحث انگیز در مذهب اعتزال صفات خدا و برخی مباحث پایه در معرفت دینی بود و امام در برابر آن ها به تبیین عقلانی بنیان های دینی در چارچوب شرع و قرآن پرداخت.

تاریخ امامت امام رضا (ع) :

امام رضا در سال 148 متولد شد. به مدت بیست سال امامت شیعیان را برعهده داشت. ایشان از سال 201 به مدت دو سال در مرو و در دارالخلافه سکونت داشتند و عهده دار منصب ولایتعهدی مامون عباسی بودند. اما عده ای که مرگ امام کاظم را باور نداشتند از ایشان به نام مهدی یاد می کردند که **واقفیه** نامیده می شدند و باعث انحراف در شیعه شدند. اینان به دلیل عدم رهبری سرگردان بودند و این سرگردانی باعث سوء استفاده عده ای گردید و فرقه ای به نام **مضطوره** شکل گرفت که به حلول و تناسخ معتقد بودند.

دوران امام رضا مصادف با سالهای پایانی حکومت هارون الرشید بود و بعد از آن امین و مامون حکومت را بدست گرفتند و مامون برای اینکه بتواند به حکومت خود مشروعیت بخشد به هواداری از شیعیان پرداخت و سیاست مدارا پیشه کرد و در واقع دوران حکومت مامون دوره جدید قیام های علویان بود از جمله قیام **محمد بن جعفر** عموی امام رضا معروف به ابن طباطبای علوی و دیگر قیام های شیعیان .

در دوران امامت امام رضا به دلیل توسعه فرهنگ و اندیشه شیعی انحراف عقیدتی و فرقه ای در شیعه بسیار اندک بود و عالمان بسیاری در میان شیعیان به ظهور رسیدند. این بزرگان فرهنگ حدیثی را به کمک اصول تالیف شده حفظ کردند تا به دوران غیبت رسانند.

در برابر قیام هایی که در گوشه و کنار صورت می گرفت مامون برای فرو نشاندن این قیام ها امام را تحت الحفظ به مرو محل حکومت خود آورد تا هم از اعتراض و قیام علویان جلوگیری کند و هم حمایت امام را داشته باشد .

امام رضا و مامون عباسی :

از مهمترین بخش های زندگی امام رضا (ع) حضور ایشان در مرو و بر عهده داشتن ولایتعهدی مامون عباسی است .

مامون به دلایلی چون:1- قیام های متعدد در عراق و حجاز 2- تبلیغ و نشر اندیشه های شیعی 3- فعالیت های سیاسی و فرهنگی علویان و شیعیان در نواحی مرکزی و شرق جهان اسلام مجبور شد که با تظاهر به دوستی با امام و نیز برتر دانستن ایشان، امام را به مرو فرا خواند تا بدین وسیله بتواند حکومت خود را مشروعیت بخشد. هدف دیگر مامون از انتقال امام به مرو، 4- کنترل آن حضرت و از بین بردن استقلال ایشان بود و هم چنین بتواند از قدر و منزلت امام در پذیرش ولایتعهدی بکاهد و سعی کرد تقدس امام را در میان مردم از بین ببرد و ایشان را به دنیا طلبی متهم کند .

مواضع امام در مقابل مامون عباسی :

امام رضا که همچون امامان دیگر سیاست **تقیه** را در پیش گرفته بودند، اما در برابر اصل امامت و دین تن به تقیه ندادند. ایشان از همان ابتدا سعی کردند که مخالفت خود را با انتقال به مرو نشان دهند و با وجود تمام مخالفت های امام، ایشان بعد از دو ماه به مرو منتقل شدند. امام تلاش بسیار نمود تا مامون به اهداف خود نرسد از جمله اینکه:

- 1- از عباسیان مبنی بر بحق بودن اهل بیت برای امامت اعتراف گرفت این درست بر خلاف خواسته مامون بود
- 2- همچنین ایشان عدم میل خود را در پذیرفتن ولایتعهدی در پی جلسات بسیار بیان نمودند
- 3- همچنین شرط کردند که هیچ عزل و نصبی انجام نخواهند داد و هیچ گونه مداخله ای در امور سیاسی و جاری نخواهد داشت.

سیاست مامون در تضعیف موقعیت امام :

در مقابل تلاشهای امام رضا در حقانیت امامت خود، مامون سعی کرد تا شیعیان و مسلمانان را نسبت به علم امام دچار تردید کند و ایشان را در برابر هجوم اندیشه های هندی و یونانی قرار می داد و مجلس مناظره بر پا می کرد. اما امام با گرد آوردن دانشمندان و متکلمان به دفاع عقلانی از دین برخاست و مامون به اصحاب اعتزال روی آورد که البته خود به گرایش عقل گرایی متمایل بودند. اما مامون به این نتیجه رسید که جلسات مناظره نه تنها امام را محور توجه همه دانشمندان قرار می دهد بلکه اعتبار ویژه ای برای امام و فرضیه ای برای عیان شدن امامت ایشان است، پس سعی کرد امام را کنترل کند و روابط او را محدود سازد از طرف دیگر مامون اقامه نماز عید فطر را به امام سپرد تا به مردم نشان دهد که ایشان در عرصه حکومتی فعال است، اما این اقدام نیز اشتباه بود چرا که با استقبال قابل توجهی از سوی مردم روبرو شد و مامون ناچار شد امام را باز گرداند از سوی دیگر امام در مسئله هجوم به ممالک شرقی به عباسیان اعتراض کرد و مامون که می دید امام همه سیاست های ایشان را خنثی می کند ناگزیر شد ابتدا وزیر خود **فضل بن سهل** و سپس امام را در اوایل سال 203 در توس به شهادت رساند.

تاریخ امامت امام محمد تقی (ع) :

امام محمد بن علی در سال 195 هجری متولد شدند، دوران امامت ایشان همزمان با حکومت دو خلیفه عباسی مامون و معتصم بود.

ایشان اولین امامی بودند که در سن کودکی به امر خداوند به امامت منصوب شدند و از سال 203 تا 220

عده دار امامت الهی شیعیان شدند و القاب مشهور ایشان **تقی و جواد** می باشد.

امام جواد و خلفای عباسی :

مامون عباسی برای رهایی خویش از اتهام به قتل رساندن امام رضا و همراه نمودن شیعیان با خود و همچنین به دلایل شخصی علاقه به مباحث علمی، مجالس مناظره را با حضور امام جواد تشکیل می داد و مهمترین این مجالس مناظره امام با **یحیی بن اکثم** از دانشمندان نامدار آن زمان بود.

مامون سعی می نمود که امام را به این مباحث علمی مشغول دارد و ایشان را زیر نظر بگیرد و فعالیت های سیاسی و فرهنگی ایشان را کنترل نماید، به همین خاطر دختر خود **ام فضل** را نیز به عقد ایشان در آورد که ابتدا موجب خشم عباسیان شد . سیاست امام جواد در مقابل خلافت همان سیاست **تقیه** بود و هدایت و رهبری شیعیان از طریق سازمان وکالت بود. از طرف دیگر مخالفان امام سعی می کردند با برپا نمودن جلسات مناظره عقاید امام را آشکار سازند و ایشان را در برابر مذاهب مختلف مردم سرزمین های عربی که بیشتر پیرو خلفا بودند قرار دهند. و پرسش هایی را در جمع عالمان و مردم مطرح می کردند تا با آشکار ساختن عقاید و دیدگاهشان ، او را منزوی و مورد بغض عوام قرار دهند.

پس از مامون معتصم عباسی در اولین سال حکومت خود امام را به بغداد فرا خواندند و ایشان را در 25 سالگی به شهادت رساندند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته